

اول ماه مه: چند گام به پیش

مرتضی فاتح

بیست هفتم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

برگزاری مراسم اول مه در ایران هر سال خصوصیت ویژه ای پیدا کرده است. یکی از بارزترین مشخصه اول مه در ۴ سال اخیر ابتکار عمل داشتن بارز رادیکالیسم کارگری در تمامی این مراسم است. این پدیده تبعات مثبت گوناگون خود را نیز به همراه دارد. تبعاتی مانند برنامه ریزی، هماهنگیهای مختلف، و طرح شعارهای چپ و سوسیالیستی. و از همه مهمتر اجازه عرض اندام ندادن به جریانات و نیروهای دست پرورده حکومت و مراسم های آنچنانی آنهاست.

مراسم امسال نیز از این قاعده مستثنی نبود. اما در مراسم امسال حضور گسترده تر و چشمگیر نیروهای رادیکال کارگری بنا به دلایلی که ذیلا توضیح خواهم داد، پر رنگتر از سالهای گذشته بود. روندی که به نظر میرسد با سرعتی غیر قابل کنترل در حال تعمیق و گسترش است.

هر چه جامعه علی العموم و طبقه کارگر علی الخصوص به زمان تعیین تکلیف با حکومت نزدیک تر میشود آرایش و ترکیب بندی گرایشات درون طبقه کارگر نیز به نفع رادیکالیسم اجتماعی تغییر میکند. هر چه مسائل و سوالات جدی تری در برابر کل جامعه قرار میگیرد، نیروهائی به جلو صحنه رانده میشوند که پاسخهایی بنیادی تر و رادیکال تر و واقعی تری به مسائل کارگران و مردم را در دستور میگذارند.

یکی از دلایلی که در مراسم امسال باعث پررنگتر شدن حضور رادیکالیسم کارگری در جریان مراسم اول مه بود، دخالت فعال و با انگیزه فعالین و تشکلهای کارگری چپ و تلاش این فعالین در جهت هماهنگی در برگزاری مراسم بود. رشد و ایجاد تشکلهای متفاوت کارگری و روند پرشتاب ایجاد تشکلهای جدید از طرف کارگران از مشخصات دور جدید مبارزات کارگری است. در مراسم امسال تشکلهای کارگری موجود، کارائی و ضرورت خود را به نمایش گذاشتند. از سوی دیگر ضعف ها و محدودیتهای ذاتی و ساختاری هر یک از شکل های سازمانیابی کارگران نیز در طی روند برگزاری مراسم محک زده شد.

در مجموع تا جایی که به خود مراسم و عملکرد فعالین کارگری و انعکاس آن در جامعه مربوط میشود، میتوان خصیصه مشخص مراسم امسال را در نمایش اتوریته چپ بر جنبش اعتراضی کارگران خلاصه کرد. اکنون دیگر هیچ مراسم توده ای کارگران، حتی حکومتی ترین آنها از "خطر" دخالتگری جریان چپ و سوسیالیستی در امان نیست.

حضور این جریان در میان کارگران، رادیکالیسم نهفته توده کارگران را نیز متبلور میکند. هرچه خود این جریان رادیکالتر و ماکزیمالیستتر باشد به همان نسبت نیز تبلور اعتراض عمومی کارگران جدی تر و تعیین کننده تر میشود. بطور مثال به دلیل حضور ما و شعارهای رادیکال و جدی در تقابل با خانه کارگرها، عموم کارگران حاضر در مراسم (حتی بخشی از اعضای خانه کارگر) به مخالفت با سخنرانی محبوب پرداختند و حتی مانع ادامه

سخنرانی وی گردیدند. این روند بدون حضور موثر ما در مراسم هرگز اتفاق نمی افتاد. اما با وجود این نکات مثبت جنبه های دیگری نیز در برگزاری مراسم امسال به چشم میخورد.

عمده ترین ضعفی که هنوز هم گریبان تشکلهای کارگری را گرفته است، عدم توانایی در دستیابی به توافق بر سر موارد مشخص است.

در مراسم امسال علیرغم توافق قبلی بر سر برگزاری مراسم مستقل کارگری توسط تشکلهای مختلف در برابر "وزارت کار" و همچنین شرکت اعتراضی در مراسم دولتی، در آخرین لحظات یکی از تشکل های شناخته شده از شرکت در برنامه سایر تشکلهای خودداری کرد و اعلام نمود که مراسم جداگانه خود را برگزار خواهد کرد. این امر در چند روز باقی مانده تا مراسم موجب سر در گمی کارگران و شرکت کنندگان گردید. در نتیجه این تصمیم نه فقط مراسم مستقل کارگران برگزار نگردید بلکه کارگران زیادی عملاً قادر به شرکت در هیچ مراسمی نگردیدند. بعلاوه تشکل مربوطه هم نتوانست مراسم خود را برگزار نماید. همین مسئله به خوبی نشان دهنده عدم درک صحیح برخی از فعالین کارگری از توازن قوا و ندیدن منشا اعتبار شان است. این دوستان با چنین حرکت غیر معقولی نه فقط نتوانستند مراسم مستقل خود را آنگونه که اعلام کرده بودند بر پا کنند، بلکه در همان جریان شیروودی نیز فرصت ابراز وجود مستقل نیز مانند سایر تشکل ها پیدا نکردند. با توجه به وضعیت فعلی طبقه کارگر در ایران و موقعیت دشوار فعالیت اجتماعی برای کارگران، داشتن یک نقشه عمل عمومی و تلاش برای توافق بر سر موارد یا مراسم مشخص کارگری از نیازهای اولیه تشکل ها و فعالین کارگری است. بحث بر سر سازشهای غیر اصولی نیست. و به هیچ وجه سخن من بر سر وحدت یا ادغام تشکل های مختلف نیست. بلکه سخن بر سر توافق بر سر موارد مشخص و معین است برای قدرتمند تر کردن کل جنبش کارگریست. نتیجه چنین توافقاتی، حضور گسترده و قدرتمند کارگران متشکل و فعالین رادیکال کارگری است. تنها با چنین حضوری است که حاکمیت سرمایه داران نیز هر کدام از تشکل های کارگری را جدی میگیرد. تجربه حرکت اول مه امسال و مباحث پیش از آن در میان فعالین کارگری بار دیگر نشان داد که در تشکل یابی کارگران تنها آن اشکالی از تشکل که به توده کارگران اتکا دارند و به شعور عمومی طبقه کارگر احترام میگذارند و روند سیاست گذاری و تصمیم گیری در این نوع از تشکلهای مبتنی بر اعتقاد به تصمیمات جمعی و دخالت تک تک اعضا طبقه در روند تصمیم گیری است، میتوانند پاسخگوی نیازهای امروز مبارزه اجتماعی کارگران باشند. اگر چه از هر امکانی برای تشکل یابی مستقل کارگران باید استقبال نمود، اما تفاوتها را باید دید و از تجربیات باید درس گرفت و به سوی برپایی تشکلهایی باید گام گذاشت که بیش از همه مصالح و پیشروی کارگران را تضمین میکنند. به هر حال اول ماه مه ۸۶ جنبه های مختلفی از موقعیت کارگران، جامعه و فعالین کارگری را به نمایش گذاشت. در وجه عمومی، اعتراض کارگری در سطح وسیع اجتماعی به نمایش گذاشته شد. کارگران شجاعانه سیاسی و عمومی بودن خواسته های خود را به نمایش گذاشتند. بر گریه ترین مسائل جامعه انگشت گذاشتند. اعلام کردند که انرژی هسته ای نمیخواهند. اعلام کردند که قانون کار حکومت به درد کارگر نمیخورد. نشان دادند که سر سازشی با پادوهای حکومت ندارند. بر آزادی و برابری و حکومت کارگری تاکید گذاشتند. از خواستهای معلمان و دانشجویان اعلام پشتیبانی کردند و با آنها اعلام همبستگی و اتحاد کردند. بر حق تشکل و اعتصاب و تجمع تاکید کردند. اینها خواستهایی مهم در کل جامعه است و عملی شدن آنها فضای کل جامعه را اساساً تغییر خواهد داد.

کارگران بطور عمومی نشان دادند که از شعارهای رادیکال و چپ حمایت میکنند. اما تا آنجا که به حاکمیت اسلامی سرمایه داران مربوط میشود، این حکومت جرات رودرروئی مستقیم با توده کارگران را ندارد و تشکلهای دست ساز آنان نیز قادر به هدایت هیچ حرکتی در میان کارگران نیستند.

اما مهمترین تاثیر اتفاقات این روز را باید در میان خود فعالین کارگری مشاهده کرد، برخی از این فعالین دریافته اند که رادیکالیسمشان مهمترین عامل در جذب کارگران به آنهاست. همچنین دست یابی به کاربردی ترین و مدرنترین و مستقیم ترین، اشکال تشکل که پاسخگوی نیاز امروز مبارزه طبقه کارگر باشد، از اصلی ترین وظایف آنان است. برخی دیگر از فعالین کارگری نیز باید در نگاه شان به خود و تبیین شان از توازن قوا، چه در عرصه حاکمیت و چه در عرصه طبقه کارگر، تجدید نظر کنند. این بخش از فعالین باید دریافته باشند که، میزان قدرت و حضور قدرتمند کل کارگران است که، منبع قدرت تشکل های مختلف کارگری و رهبران آنهاست و نه بالعکس. در نتیجه هماهنگی و توافق در مواردی که موجب نمایش قدرت کارگران می گردد منشا ارزش گذاری تشکلهای کارگری توسط حاکمیت سرمایه داران و گردن گذاشتن به خواستههای آنهاست.

مرتضی فاتح